

تأثیر بحران اوکراین در منطقه و افغانستان

بحران اوکراین نه تنها حریم امنیتی روسیه را به طور مستقیم تهدید می‌کند؛ بلکه در ابعاد استراتژیک محاصره روسیه را خیلی جدی و عملی مطرح، منافع استراتژیک چین را در آسیای میانه تهدید و تقابل قطبین را در منطقه و جهان به شکل سرسام‌آوری آتشین می‌سازد. این به معنای نفوذ خطرناک ویروس‌های تنش، بحران، ناامنی و ساختارشکنی از شرق میانه و جنوب آسیا در حریم امنیتی روسیه در آسیای شمال غربی و آسیای میانه خواهد بود. این حالت خطرناک روسیه را در حال آماده‌باش و دفاع، سران پیمان ناتو به سرکردگی امریکا را در حال هجوم همه جانبه و چین را در حالت انتظار قرار داده است. اوضاع داخلی اوکراین، بافت جمعیتی، سیاسی و موقعیت جغرافیایی این کشور و مسئله مرگ و زندگی بودن موضوع برای سران روسیه بحران عمیق اوکراین را به جنگ داخلی و در نهایت تجزیه و تقابل حاد قطبین در منطقه تبدیل خواهد کرد. متأسفانه که این حالت به ضرر افغانستان هم تمام خواهد شد؛ زیرا تشدید بحران، تنش و تقابل قطبین در منطقه به رشد و گسترش افراطیت و جنگ اطلاعاتی می‌انجامد.

هدف نگارنده در این جا تأیید یکی از طرفین بحران و تقابل نیست؛ بلکه می‌خواهم زیان و ضررهای ویرانگر و خطرناک این بحران را به منطقه، جهان و افغانستان اندکی روشن سازم. در مقاله پیشینیم کاهش تنش‌جات و لغو هجوم نظامی امریکا به سوریه را گامی به سوی تعادل قطبین انگاشتم؛ اما بحران کنونی - تقابل روسیه، سران ناتو و در نهایت چین را به اوج خود می‌رساند و اوضاع شرق میانه، جنوب آسیا، آسیای میانه و افغانستان تحت‌الشعاع آن قرار خواهد گرفت. قرار معلوم روس‌ها نمی‌توانند از آن سرسری بگذرند و این هنوز آغاز کار است.

به تحلیل موافقان روسیه در اوکراین ویکتور یانوکویچ به رای مردم به مقام ریاست جمهوری اوکراین رسیده است و پالسی استراتژیک او ایجاد تعادل در بین منافع غرب و روسیه در اوکراین بوده است تا این کشور به منطقه امن و مطمئن در بین منافع غرب و روسیه حفظ شود و حریم امنیتی روسیه به زور نشکند؛ لیکن حالت کنونی را بحران، تجاوز به حریم امنیتی روسیه به تحریک سران ناتو و امریکا، دفن دیموکراسی و رشد و توسعه افراطیت و تندروی می‌دانند که پی‌آمدهای آن به زودی دامن روسیه و آسیای میانه را هم خواهد گرفت.

از نشانه‌های بارز تداوم بحران و شتاب آن به سوی جنگ داخلی، تقابل شدید سران ناتو و سران روسیه است. دمتری مدوف نخست وزیر روسیه دولت موقت اوکراین را قبول ندارد و آن را دولتی به دست شورشیان مسلح معرفی می‌کند. رئیس جمهور مخلوع اوکراین در پناهی حمایت مسکو بسر می‌برد و هنوز خود را رئیس جمهور قانونی و منتخب مردم می‌داند. تظاهرات حامیان روسیه در حال گسترش است. تشکیل گروه‌های نظامی دفاع مردمی در منطقه کریمه (هممرز با روسیه) روی دست گرفته شده است. در مقابل سران ناتو خاصه ایالات متحده امریکا، فرانسه و آلمان حمایت همه جانبه‌شان را از دولت موقت اعلان کرده اند و در صدد کمک‌های مالی هنگفت به سران دولت موقت برآمدند.

بافت جمعیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و موقعیت ژئوپولیتیکی اوکراین می‌نمایند که جریان حوادث در این کشور به این سادگی و حالت ظاهری کنونی در راستای منافع جهان غرب گردش اساسی نخواهد کرد. چیزی که مشخص و روشن است همانا گسترش بحران و تنش در گوشه‌ی از شرق آتش زده شده است و این به راستی هشدار بسیار جدی به سران بزرگ شرق خاصه (روسیه، چین و هند) می‌باشد؛ تا بدانند که تعادل قطبین در شرق به منافع سران ناتو نیست و آنان تمایلی به آن ندارند. این فرش زیر پای ما شرقیان است که آتش می‌گیرد و ریشه‌های شرق را در همه جا می‌سوزاند. تشویق و گسترش بحران، تنش و جنگ در زیر هر نام و نشانی و به وسیله هر ابزاری چه زیر نام افراطیت اسلامی و چه زیر نام‌های دیگر قابل پذیرش مردم مظلوم و قربانی شده شرق نمی‌باشد. ما زنج، درد و عذاب آن را در افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین، کشمیر، پاکستان و غیره با جسم و جان کشیده ایم و هنوز در افغانستان این هیولای افراطیت و کشت و کشتار بیداد می‌کند.

از قراین بر می‌آید که موضوع سوریه و اوکراین به محل زورآزمایی و رقابت قطبین جهانی و منظوقی تبدیل شده است و دستگاه‌های اطلاعاتی توجه جهان را از شرق میانه به حریم امنیتی روسیه کشانیده اند و این شهد پیروزی و قهرمانی در بازی‌های المپیک سوچی را برای مردم روسیه به زهر جانکاه تبدیل کرده است. روس‌ها هرگز نمی‌توانند این را بی‌پاسخ بگذارند. سران روسیه برای شکستن محاصره غرب و ایجاد قدرت دفاعی به فکر گسترش و تقویه پایگاه‌های نظامی خود در کشورهای مختلف هستند. به طور مثال در کشورهای سوریه، تاجیکستان، اوستیای جنوبی، اوکراین، قرقیزستان و قزاقستان پایگاه نظامی دارند و با سران کشورهای سنگاپور، ونزوئلا و نیکاراگوئه در حال گفتگو برای گشایش پایگاه می‌باشند.

کشاکش، رقبت‌های خونین و بحران‌سازی در شرق از هر جانب و توسط هر نیرویی که باشد به زیان مستقیم مردم و منافع ملی کشورهای خرد و بزرگ تمام می‌شود. توده‌های ملیونی قربانیان اصلی می‌باشند. علاوه بر جنگ و بحران- فقر، انارشیزم، فعالیت‌های مافیایی و تفاوت‌های طبقاتی تشدید می‌شوند و اعتماد مردم به حال و آینده شان از بین می‌رود و این باز بیماری‌های روحی و روانی را در شرق گسترش می‌دهد. چونان‌که ما نتایج آن را طی چند دهه در افغانستان و دیگر کشورها تجربه کردیم. نیاز مردم شرق بیش از هر روز دیگر به امنیت، صلح، ثبات و آرامش است تا در این فضا به توانند به سوی رشد و انکشاف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیش رفته و تمدن‌های کهن خویش را در پرتو علم و تکنولوژی جدید احیا و بازسازی کنند.

رسول پویان

2014/2/28